

نگاهی به خشونت فوتبال

بیژن افسرکشمیری

مربی پژوهشی انسان شناسی دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر، ورزش فوتبال را از بعد تاریخی در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده بر اساس رویدادهای تاریخی این ورزش و «تجاری شدن» آن در ایران در پی بازسازی عوامل اصلی خشونت در ورزش فوتبال است.

واژگان کلیدی: خشونت ورزشی، تجاری شدن، تاریخ فوتبال، ارگانهای ورزشی، روزنامه‌ها.

طرح مسأله

ما شاهد تجاری شدن هر چه بیشتر ورزش در جهان هستیم که نشان دهنده این امر است که آرمان‌های اولیه ورزش در حال از میان رفتن است و جنبه ضد ورزشی آن پدیدار شده است. در واقع سالهاست که رشته‌های ورزشی بخصوص فوتبال از آن حالت ورزش بعنوان سلامت جسم و جان و گذران اوقات فراغت خارج شده و رفته رفته جریان ورزش آماتوری تبدیل به ورزش حرفه‌ای و حرفه‌گرایی شده است. چنین وضعی در ورزش بخصوص در فوتبال، به تدریج جای کشتی، ورزش سنتی و پر طرفدار ما را که اکنون تنها با نام تختی به یاد آن می‌افتیم، گرفته است. دو نکته اساسی در هر ورزشی وجود دارد؛ نخست ارائه اخلاق و رفتار خوب و مطلوب و دیگر تأکید بر همکاری و نوع دوستی و محبت. امروزه این دو اصل از جامعه ورزش ما بخصوص فوتبال کاسته شده و گاهی احساس مردم به فوتبال احساسی درآمیخته با عشق و نفرت شده است. علاوه بر آن، آنجا که فوتبال واسطه شعله ور شدن احساسات و بحران هویت ملی می‌شود آنهم برای کشورهایی که در حاشیه قرار می‌گیرند فوتبال تبدیل به تماشاگر هویت ملی می‌شود یعنی تب و تاب فوتبال، محدوده ورزش، تفریح، گذران اوقات فراغت را کنار زده و هویت ملی و قومی و بومی را برملا می‌سازد. در اینجا دیگر اخلاق ورزشی و روحیه ورزشکاری کم رنگ می‌شود و گاه وضع به خشونت می‌گراید و این شرایط تنها به ایران و کشورهای نظیر ما ارتباط ندارد بلکه در همه صحنه‌های فوتبال در جهان مشاهده می‌شود. رقابت‌های خشن و پراغتشاش همراه با درگیری بازیکنان و هوادارانشان در طول تاریخ فوتبال ایران کم نیست و در سایر نقاط جهان نیز زیاد مشاهده شده: بازیهای خشن ترکها با اروپائیان (با آتش کشیدن جایگاه‌ها توسط ترکها) حمله طرفداران آ.ث.رم و کشته شدن یک نفر از تیم مقابل در ایتالیا، خشونت تکان دهنده استادیوم بروکسل که ۳۹ کشته و ده‌ها زخمی برجای گذارد، هجوم و فشار جمعیت در رویارویی دو تیم انگلیسی لیورپول و ناتینگهام فاوست جان ۹۵ نفر را گرفت و نمونه‌های دیگر. مسأله آنست که پدیده خشونت چگونه ایجاد می‌شود چه عملکردی دارد و راه به کجا می‌برد؟ آیا اصولاً خشونت از ارکان فوتبال است؟ آیا نارسایی در قوانین بازی خشونت را ایجاد می‌کند؟ آیا فلسفه فوتبال نزد بازیکنان روشن نیست یا اینکه اصولاً فوتبال فضای پر تنش ایجاد می‌کند؟ اینها عواملی است که حول محور خشونت در فوتبال قابل بررسی است.

کوشش در تعریف خشونت

تاکنون در هیچ جامعه‌ای دیده نشده است که تمام و یا حتی بیشتر رفتار مردم بر مبنای انگیزه نوع دوستانه استوار شده باشد بلکه تقریباً همه جا نفع شخصی تعیین کننده رفتار بشری بوده است. این وضع گاه به رقابت و گاه این رقابت به ستیز می‌انجامد. رقابت فراگردی است که در آن دو یا چند گروه برای کسب هدف معینی تلاش می‌کنند و تنها یک گروه می‌تواند آن هدف را به طور کامل بدست آورد و یا به آن هدف نایل شود. به عبارت دیگر رقابت یعنی اینکه فرد می‌کوشد دیگران را از دستیابی به هدفی که خود درصدد کسب آن است باز دارد. در رقابت ستیز وجود ندارد هنگامیکه رقابت قواعدی را زیر پا گذارد مسأله بصورت ستیز خودنمایی می‌کند که خشونت را در خود دارد.

شاید این جمله قابل تعمق و بررسی باشد که خشونت بعنوان بارزترین بازتاب جهان بیرونی در رسانه‌ها مطرح است و در تمدن کنونی از خشونت بعنوان یک عامل جذاب و دلپذیر استفاده می‌کنند و در مواقع مناسب آنازشت و ناپسند جلوه می‌دهند (فکوهی، ص ۱)؛ چیزی که در ورزش شاهد آن هستیم؛ بخصوص در ورزش فوتبال. یعنی در فوتبال هنگامیکه قواعد اخلاقی و هنجاری به کنار رود، حتی در مفهوم اجتماعی آن کاملاً به تعریف فوق نزدیک هستیم. یک جنبه خشونت این است که موضوع بر سر نوعی قدرت است بر سر آنکه کدام یک از طرفین دارای سلطه بر دیگری باشند (فکوهی، ص ۳).

اصولاً در ورزش و بخصوص در فوتبال، دو گروه به رقابت می‌پردازند و هر یک در موردی موفقیت بدست می‌آورند که دیگری در آن شکست خورده است. در اینجا بحث حیثیتی است که در آن وجود پاداش و تنبیه ضرورت پیدا می‌کند که اولی از طریق هیجان مردم و هورا کشیدن و تشویق کردن انجام می‌گیرد و دومی با سکوت و بی‌اعتنایی و گاه خالی شدن ورزشگاه که به نظام ارزشی ورزش و ورزشکاران لطمه می‌زند.

اگر ورزش فوتبال را از فوتبال سیاسی خارج کنیم یا فوتبال جنبه جام جهانی داشته باشد وضعی استثنایی پیش می‌آید. در واقع خشونت تبدیل به حس میهن پرستی می‌شود که انسجام یک ملت را در بردارد. مثل برخورد دو تیم اسرائیل و ایران که نه کاملاً جنبه ورزشی داشت نه سیاسی و (شاید هم جنبه ورزشی آن تبدیل به جنبه سیاسی و برداشت ضد اسرائیلی شده بود). یا پیروزی تیم فوتبال ایران بر آمریکا با آن هیجان ۲ گل زده و ۱ گل خورده که وضع را چنان بنفع

ایران تمام کرد که درد ملتی مظلوم در مقابل امپراتوری قدرت و تجارت کمی تسکین پیدا کرد و آن چنان اظهار وجود و غروری برای ملت ایران فراهم شد که نظیر آن در تاریخ ورزش فوتبال کشور سابقه نداشت. در واقع ایران و آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ علیرغم دشمنی دیرین در کنار هم قرار گرفتند یعنی دو تیمی که از نظر سیاست ورزش متخاصم نبودند بلکه از نظر سیاست جهانی بخصوص در بعد از انقلاب رویوی هم و بصورت دو ملت دشمن و صلح‌ناپذیر درآمده بودند. این پیروزی منجر به جشن سراسری مردم ایران (چه فوتبال دوست و چه غیره) شد.

تاریخچه آغاز فوتبال و ریشه‌های خشونت

سالهای ۱۲۸۰-۱۳۰۰، آغاز شکل گرفتن ورزش فوتبال در ایران توسط انگلیسی‌ها بود که زمینه ساز فوتبال ایران شد. رونق این ورزش در اهواز و آبادان - جایگاه سنتی انگلیسی‌ها - در ایران بود و بدنبال آن تیم تهران در سال ۱۳۰۰ توسط محمد علی شکوه پایه‌گذاری شد (ح - ر - صدر، ص ۲۰). در مسابقه‌ای که به سال ۱۳۰۴ در مقابل رضا شاه انجام شد، تیم انگلیس در مقابل ایران شکست خورد. این بازی منجر به اولین سفر تیم ایران به بادکوبه و بازی تیم ایران با شوروی شد که به شکست ایران منتهی گردید.

تشکیلات ورزشی دولتی در ایران از سال ۱۳۱۳ فعال شد. ظاهراً تیم ملی شروع بکار کرد و فوتبال رسید به دهه چهل. تب فزاینده دهه چهل برائر رسانه‌های جمعی که سراسر ایران را در نوردید در فرهنگ عامه نمایان شد. رفته رفته شکست‌ها و پیروزیها مورد ارزیابی جدی‌تری قرار گرفتند و جامعه به آن حساسیت بیشتری نشان داد. از سوی دیگر بازتاب‌های سیاسی فوتبال هم فضای ورزشی فوتبال را گاه تبدیل به احساسات ملی‌گرایانه درآمیخته با پیام‌های سیاسی می‌کرد. رقابت‌های جام جهانی و حضور در المپیک تب فوتبال را در مقیاس وسیعی فزونی بخشید. فوتبال ایران از ابتدای شکل‌گیری آدمهایی را داشت که از شخصیت‌های سیاسی بودند و بعد رفته رفته فوتبال از توده مردم شکل‌گرفت پس زمینه فوتبال ایران نشان دهنده ظهور دو باشگاه است که در طول تاریخ نیم قرن گذشته نام عوض کردند. پیروزی امروز، شاهین و پرسپولیس سابق بوده و استقلال امروز، دوچرخه سواران و تاج سابق. رقابت هر دو باشگاه از دهه‌ای به دهه‌ای دیگر ادامه داشته و اسطوره‌درگیری و دشمنی شان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است (ر - ح - صمدی ۵۷). هر دو باشگاه پس از شهریور بیست متولد شدند. سوابق باشگاهی فوتبال نشان از این دارد که دو باشگاه ورزشی فوتبال یکی توسط یک فرد عادی

ورزش دوست بنیان گذاری شده و دیگری توسط نظامیان. عناوین بازیکنان و داوران حکایت از آن دارد که اداره ورزش از صافی سیاست مداران و ارتشیان عبور می کند (ر - ح - صدر ۲۵). به عبارت بهتر، شاهینی ها زمینی و متعلق به مردم کوچه و بازار و تاجی ها از آن بزرگان مستبد. یکی خود را مردمی، تحصیل کرده و روشنفکر (عنوان «دکتر» عباس کرامتی مربی) می دید و دیگری نظامی زورگو خطاب می شد.

در واقع ورزش فوتبال در ایران پستی و بلندی بسیاری را طی کرد. تاریخچه فوتبال و شکل گرفتن آن در قالب دو تیم دوچرخه سواران و شاهین با دو سرپرست یکی وابسته به دستگاه اقتدار دولت و دیگری مردمی، حکایت از طبقاتی بودن این ورزش در کشور است که امروزه افسانه قرمز و آبی یعنی مفهومی که جامعه به این دو جناح ورزشی داده از درون آن زاییده شده است.

پس از انقلاب این دو تیم باقی ماندند و تماشاگران تهرانی و تهران نشین و شهرستانی، خواه ناخواه به سوی این دو تیم گرایش پیدا کردند. نسل جوان دهه شصت بر صفحه تلویزیون در صفحه روزنامه ها، تصویر بازیکنان هر دو باشگاه را دیده و شاهد انحصار این دو تیم بر بازی های دیگر که در دهه هفتاد به اوج خود رسیده است نیز بوده است. بحث بر سر این است که چگونه یک فوتبالیست ستاره می شود، طرفدار پیدا می کند و جز نخبگان تیم درمی آید. تیم را به شهرت و پیروزی می رساند و سپس در تیم، بالا و پائین می شود. بی تردید چنین وضعی را تشکیلات ورزشی - روزنامه ها و سایر رسانه ها از جمله تلویزیون دامن می زنند. فی المثل در دیدار پرسپولیس و پاس همه چیز به خشونت و اغتشاش کشیده شد و فدراسیون فوتبال عامل اصلی را برخی از رسانه های گروهی و ورزشی خواند (همان - منبع).

عوامل اصلی خشونت در ورزش فوتبال

متأسفانه در محافل ورزشی یعنی جایی که محل جوانمردی و اخلاق و گذشت است، خشونت جا باز کرده است و گروه های خشونت آمیز تصویری بسیار منفی در خارج از خود ایجاد می کنند. بحث رقابت در میان است و ظرفیت و توان ورزشی همراه با سوابق باشگاهی ورزشکاران که در مقابل هم قرار می گیرند.

در ورزش بخصوص در فوتبال، بحث رقابت در میان است و ظرفیت و توان ورزشی، فنی، حرفه ای که ورزشکاران در مقابل هم دارند و مفاهیمی که تماشاچیان و طرفداران تیم ها به آن

می دهند اهمیت دارد، مثل مفاهیمی چون قرمز و آبی که نماد تیم های استقلال و پیروزی است. چون در هر صورت، نتیجه مسابقات فوتبال یا به مساوی و یا به پیروزی یک تیم بر تیم دیگر ختم می شود. بدیهی است که یک تیم پیروز می شود و به فریادها و صورت خراشیدن و منفجر شدن تماشاگران ارتباطی ندارد.

غالباً بحث خشونت در فوتبال از بازیکنان شروع می شود و به تماشاگران سرایت می کند. مثلاً هنگامیکه بازیکنان یک تیم نمی توانند به گروه مقابل چیره شوند و یا از آنها مقاومت می بینند و چون نمی توانند بازی را به نفع خود خاتمه دهند دست به جنجال می زنند. در واقع بازیکنان در فوتبال تنها خود خجالت زده نیست بلکه در مقابل علاقمندان، در مقابل مردمی که از او طرفداری می کنند، شکست می خورد و خود را مسؤول عدم پیروزی نه تنها تیم بلکه طرفداران خود می داند. اینجاست که تیم و طرفدارانش به علت نوعی حس برتر پنداشتن باشگاه خود و غالباً بر اثر رویکردهای اجتماعی تلقین شده، تحریک می شوند و به خشونت دست می زنند.

ارگانهای ورزشی و خشونت

یکی از عوامل تولید خشونت، بحثها و ارزیابی های بی پایان و بدون نتیجه روزنامه هاست. تیراژ روزنامه های ورزشی به گفته بسیاری از دست اندرکاران بسیار زیاد است. اصطلاحات و نحوه بیان بحثها در روزنامه حاکی از رقابت در حد ستیز و خشونت است که در کلیه ارکان سازمان های وابسته به فوتبال دیده شده است. اصطلاحات اکثر روزنامه های ورزشی حول محور این عبارات است: «تاکتیک تهاجمی»، «تراکتور سازی با برد آرام می گیرد»، «فقط حمله می کنیم». محتوای اخبار روزنامه ها و تبلیغات تیم ها علیه یکدیگر خود عاملی است نه فقط در تعیین و تقویت رفتارهای خشونت آمیز یا حداقل جهت دادن به آن بلکه چون روزنامه های ورزشی ارگان و حافظ منافع یک جناح ورزشی است که ممکن است آن جناح، مقابل جناح دیگر باشد، در مشروعیت بخشیدن به رفتار خشونت آمیز مؤثر می افتد. در واقع، رویارویی تیم ها، مقابل هم - بخصوص پیروزی و استقلال با آن سابقه تاریخی که دارند - نشان دهنده مقابله دو ایدئولوژی و دو طرز تفکر است که خیل جمعیت دستداران دو تیم را بدنبال خود می کشد.

البته باید گفت که خشونت در فوتبال در قبل از پیروزی انقلاب چندان ابعاد گسترده ای

نداشت و احتمالاً ورزش فوتبال هم چنین جدی و مسلط بر افکار عمومی نبود. امروزه جناح بندیهای فوتبال کاملاً مشخص است و مردم فوتبال دوست، تیمهای اصلی و بازیکنان برجسته و سرشناس را می‌شناسند. انتخاب و طرفداری از تیم برایشان بمنزله یک حیثیت ورزشی است که با شخصیت شان درهم آمیخته است. مثلاً در دیدارهای غم‌انگیز شهریور ۱۳۶۱ درگیری بازیکنان با داور، هجوم تماشاچیان را به میدان رقم زد. در بازیهای آسیایی سال ۱۳۶۱ در دیدار تیم ایران با کویت یکی از اعضای تیم پرخاشجویانه به داور هجوم برد و یاران پرسپولیس اش به همراهی برخاستند و شصت هزار تماشاگر، تیم ایران را هو کردند و یا در بازیهای ۱۳۷۱ در هیروشیما درگیری بازیکنان با داور و یاران رقیب کار را به خشونت کشانید. ظاهراً این مقدمه خشونت است چون تنها دو گروه نیستند که در رقابت هستند و سپس خشونت ظاهر می‌شود بلکه رقابت شامل حال طرفداران این دو نیز می‌شود. بی جهت نیست که در غالب کشورها فضای تماشاچیان را با حفاظی از تور سیمی از بازیکنان جدا کرده‌اند و در غالب موارد پلیس نیز بعنوان ارگان‌های ایمنی در ورزشگاهها حضور دارد.

نتیجه گیری

از ۵۰ سال پیش باین طرف، ورزش بخصوص ورزش فوتبال، تشکیلات وسیعی پیدا کرده و رقابتهای ورزشی به طور مداوم و مستمر رو به افزایش بوده است. از سوی دیگر شرکت کنندگان تماشاگر در مجامع ورزشی بیش از سایر مشارکتهای سیاسی، صنفی و غیره بوده است. بطوریکه حتی در رقابتهای جام ملت‌ها، جام جهانی و حتی رقابتهای باشگاهی که به صورت زنده پخش تلویزیونی می‌شده تأثیر بسزایی روی ترافیک شهر، جمعیت خیابانها و تعطیلی مغازه‌ها داشته است. حتی دیدارهای ملی و باشگاهی بیش از یکصد هزار نفر را به مکان‌های ورزشی می‌کشاند.

بحث فوتبال بحث حیثیتی است که یک تیم ورزشی در مقابل جامعه دارد. جامعه‌ای که از انبوه خلق تماشاگر و فوتبال دوست برخوردار است و پتانسیلی از حساسیت، هیجان، غرور را در خود دارد که پیروزی یا شکست جهت آن را تعیین می‌کند. اولی به شادی و پایکوبی و غوغای برد ختم می‌شود و دومی، عواطف و احساسات با خشونت درهم می‌آمیزد و به دخالت نیروهای انتظامی و دستگیری و بازداشت می‌انجامد. خشونت می‌تواند از دیدگاههای مختلف در فوتبال مطرح شود؛ فدراسیون، فوتبالیست‌ها، هواداران باشگاهها، زمان برگزاری فوتبال و

رسانه‌ها. می‌توان عوامل سیاسی - اقتصادی و فرهنگی را نیز در آن دخالت داد. حرفه‌ای شدن فوتبال یا به عبارت بهتر، فوتبال حرفه‌ای خیلی چیزها را از بازیکنان می‌گیرد که این امر منجر به فقر فرهنگی در فوتبال، حتی محیط‌های ورزشی می‌شود. بطوریکه خیلی از شهروندان تهرانی جرأت نمی‌کنند که فرزندان خود را به استادیوم‌ها و یا محیط‌های ورزشی از سوی دیگر مقررات برد و باخت است که برای بازیکنان اهمیت دارد. ماهیت مقررات در بازیها به گونه‌ای است که تساوی و باخت چندان تفاوتی باهم ندارند و بهم بسیار نزدیکند. در حالیکه پیروزی ۳ امتیازی و مساوی ۱ امتیازی است که هجوم بسوی پیروزی و فرار از تساوی را دربردارد. در نتیجه غالب بازیها تبدیل به فوتبال هجومی شده و خشونت جزء ثرم بازیها می‌شود. در واقع بازیکنان مجبورند که برای پیروزی دست به هر اقدامی بزنند یعنی حذف نشدن و مبارزه برای بقاء که این امر به تماشاگران هم سرایت می‌کند که غالباً بعد از معلوم شدن نتایج، واکنش‌ها در قالب خشونت ظاهر می‌شود.

مآخذ

- اندیشه جامعه (۱۳۷۰)، فوتبال هیجان، شادی، شماره ۲۰، آبان ماه ۱۳۷۰ ص ۹.
- شفتی، مجید (۱۳۷۳)، فوتبال و نظم پذیری، جامعه سالم، شماره ۱۶، ص ۷۰.
- ایران فردا (۱۳۷۶)، فوتبال ملی جوهر ایرانی، هویت جهانی، شماره ۳۹، ص ۵.
- صدر، حمیدرضا (۱۳۷۹)، روز و روزگاری فوتبال، انتشارات آویژه، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی - نظریات، مباحث...، پیام امروز، تهران.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، چهارشنبه ۲۳ آبان، شماره ۱۱۲۸.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، شنبه ۲۶ آبان، شماره ۱۱۳۰.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، پنجشنبه ۲۴ آبان، شماره ۱۱۲۹.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، دوشنبه ۷ آبان، شماره ۱۱۱۵.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، شنبه ۱۹ آبان، شماره ۱۱۲۴.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، یکشنبه ۱۸ آذر سال ۱۳۸۰، شماره ۱۱۴۹.
- خبر ورزشی (۱۳۸۰)، سه شنبه ۲۰ آذر، شماره ۱۱۵۱.